



بررسی تأثیرات روان‌شناختی انواع موسیقی

عامه‌پسند ایرانی

دکتر علی‌زاده محمدی

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۸۷

اگر بپذیریم که مباحث مرتبط با اثرگذاری موسیقی در پایه با زمینه‌های روان‌شناسی، فیزیولوژیک و مفاهیم جامعه‌شناختی و زیباشناختی و همچنین با تعادل‌های اجتماعی و روانی رابطه دارد، ناچار از تحلیل‌ها و توصیف‌های میدانی و تجربی خواهیم بود. از طرفی با توجه به کاردهای موسیقی و این واقعیت که موسیقی به عنوان رشته‌ای کاربردی به طور گسترده در عرصه‌های مختلف جایگاهی برای خود پیدا کرده و به مثابه ابزاری روانی و اجتماعی می‌تواند در پشتیبانی و تسهیل پاره‌ای از نیازهای انسانی کارساز باشد، بنابراین ضروری است به جنبه‌های مفید کارکرد آن در جامعه اندیشید و از ظرفیت‌های آن بهره گرفت. می‌دانیم که قشر عامه در جوامع بر حضور موسیقی عامه‌پسند تکیه دارد. اما بهره‌گیری از این نوع موسیقی و به کارگیری و ارزیابی آن در حوزه‌های مختلف فرهنگ و جامعه، نیازمند پژوهشی اساسی است. در پژوهش حاضر با توجه به موضوع موسیقی و ابهام در به کارگیری آن براساس حدود دینی که مصادیق آهنگ‌های موسیقایی آن مبهم و کلی است و به صورت امر غامض اجتماعی و فرهنگی درآمده است، سعی شده تا تحلیل میدانی پاسخ‌هایی در ارتباط با تأثیرگذاری موسیقی عامه‌پسند ایرانی در نمونه‌ای کوچک از جامعه‌ی بزرگ جوان ایران پرداخته شود. مؤلف انتخاب این نوع موسیقی را به علت رواج همگانی و کارکرد گسترده‌ی اجتماعی آن می‌داند. این پژوهش با اینکه به نمونه‌های دانشگاهی محدود شده اما می‌تواند بستر و چشم‌اندازی برای تحقیقات جامع مورد توجه محققان باشد.

به باور مؤلف تأثیر موسیقی عامه‌پسند بر جوانان، قادر است ما را به بعضی از میانی‌بنیادی در اثربخشی روانی موسیقی نزدیک کند و الگوهای مشخصی از زمینه‌های روانی و اجتماعی گرایش جوانان به موسیقی عامه‌پسند را ترسیم و به پیش‌بینی‌های علمی و شناخت بهتر از عوامل مؤثر در گرایش‌های آنها کمک کند. بررسی چگونگی و ویژگی‌های این اثرگذاری بیانگر اهمیت آن برای متصدیان، متخصصان و محققان موسیقی کشور است.

در این پژوهش مؤلف تلاش می‌کند زمینه‌های موسیقایی را در ارتباط با تأثیرات روان‌شناختی و پایگاه اجتماعی و اقتصادی دانشجویان بررسی و شاخص‌های شخصیتی در مورد گرایش به انواع موسیقی عامه‌پسند ایرانی و سنتی ایرانی را تعیین کند.

وی پژوهش حاضر را در چهار فصل ارائه کرده است: ابتدا تحت عنوان «ادبیات تحقیق» مباحثی چون هنر عامه‌پسند، موسیقی پاپ، علل شیوع موسیقی پاپ، موسیقی عامه‌پسند ایرانی، موسیقی ترانه‌ای دستگاهی، زمینه‌های زیستی و فرهنگی و ارجاعات موسیقایی، چارچوب ذهنی موسیقی عامه‌پسند، ویژگی‌های شخصیت، پرسشنامه پنج عاملی شخصیت نئو را مورد توجه قرار داده است.

وی سپس تحت عنوان روش تحقیق به طرح تحقیق، نمونه‌گیری، تعریف مفاهیم، ابزار پژوهش و مراحل اجرا می‌پردازد. مؤلف این پژوهش را یک مطالعه‌ی پس‌رویدادی از نوع مقایسه‌ای برشمرده است. یعنی پژوهشی که یک پیشامد روی داده، اثر پس‌گستر داشته باشد. در مطالعه‌ی پس‌رویدادی پژوهشگر گرایش به این دارد که روابط بین عوامل و شرایط معینی را که قبلاً روی داده از طریق مطالعه‌ی آثار و نتایج کنونی آنها کشف و بررسی کند. به عبارتی پژوهشگر آثار نوعی کاربردی را که به گونه‌ی طبیعی پیش از انجام مطالعه روی داده است، بررسی می‌کند، نه آنکه کاربردی را خلق کند. مؤلف در این پژوهش تلاش کرده است دانشجویان رشته‌های مختلف را از نظر گرایش به نوع موسیقی، میزان علاقه و تأثیرات مختلف قطعات موسیقی با توجه به وضع اجتماعی و اقتصادی بررسی و مقایسه کند. همچنین رابطه‌ی بین علاقه به نوع موسیقی و حالت‌هایی که از شنیدن آهنگ‌های عامه‌پسند احساس می‌کنند با ویژگی‌های شخصیت آنها مقایسه نماید.

به عبارتی شخصیت آنها از نظر احتمالی که در گرایش به انواع موسیقی و تأثیرات آن داشته‌اند، به گونه‌ی پس‌گستر مطالعه شده است. همچنین با توجه به چگونگی جمع‌آوری اطلاعات، سابقه‌ی موسیقایی خانواده‌ی دانشجویان، اولویت‌های موسیقایی، روش‌های شنیدن موسیقی، میزان وقتی که صرف شنیدن موسیقی می‌کنند، چگونگی لذت بردن از موسیقی، اولویت‌های اوقات فراغت و غیره مشخص گردیده است.